

افشای حقایق مستند ۱۸ تیر ۱۳۷۸

سازمان دانشجویان مبارز، هسته ای متشکل از دانشجویان میهن پرست درون مرز می باشد که با افشای حقایق پشت پرده سعی بر آن دارد که ملت عزیز ایران را از تمام حقایق پنهان که توسط سیاست بین الملل طراحی می شود آگاه نماید ، و در این قسمت به افشای تکان دهنده واقعیات پشت پرده ۱۸ تیر ۱۳۷۸ از زبان یکی از میهن پرستان ایرانی که به دلیل مشکلات درون مرز نتوانسته بود به افشای آن پردازد با اطمینان به سازمان دانشجویان به شرح آن می پردازیم.

طبق اطلاعات و اخبار موثق که توسط یکی از مبارزان عزیز میهن پرست با نام مستعار **فرشاد علیجانی** که فارغ التحصیل دانشگاه علم و صنعت می باشد و هم اکنون در اروپا به سر میبرد هفته پیش با افشای حقایق ۱۸ تیر ، باعث روشن شدن دست خائنین و ستون پنجم رژیم می شود و در اختیار ما قرار گرفته است.

سناریو ۱۸ تیر که طراح آن سیاست بین الملل بوده و در اختیار حکومت اسلامی قرار گرفت، و تا به آنجا با زیرکی و مهارت پیگیری شده که تعدادی از اپوزسیون میهن پرست و دیگر اپوزسیونهای دست نشانده رژیم درون مرز و برون مرز را در این پروژه شوم به بازی گرفته است و متأسفانه خیلی از آنها آگاهانه تن به این خیانت زده اند و می زنند و بلند گوی تبلیغاتی این بازی استعمار شده اند و تمام تلاش خود را کردند که این حرکت ملی - میهنی خود جوش را به نفع استعمارگران به پایان برسانند.

هم میهنان عزیز این پروژه از آنجا طراحی شد که حاکمیت دست نشانده به محض پی بردن به ایجاد یک فضای کاملاً خود جوش و مردمی خصوصاً در بین دانشجویان سراسر کشور به مخالفت با کلیت جمهوری اسلامی در صدد آن بر می آید که این حرکت را عقیم نماید ، و برای خنثی کردن این خیزش احتیاج به یکسری بازیگروطن فروش برای شروع کار به نامهای : **حشمت الله طبرزدی ، منوچهر محمدی ، رضا مهاجرانی نژاد** ، داشت که در قسمت بعد دلایل انتخاب این افراد را شرح خواهیم داد.



حدود پنج ماه قبل از قیام تیر ماه شخص آقای **منوچهر محمدی** به سراغ دوست قدیمی و کودکی خویش جناب **مهاجرانی نژاد** می رود و دوست خود را به این بازی فرا می خواند که هر دوی آنها متولد شهر امل هستند ، و توسط آقای **طبرزدی** که مستقیماً به دفتر آقای **هاشمی رفسنجانی** متصل بود هماهنگ می شوند و برای شروع کار مبالغ زیادی به خانواده های آنها واریز می شود و سازماندهی کار شروع می شود برای نفوذ در بین دانشجویان دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای کشور و

معرفی خود به عنوان کسانی که می خواهند تمام دانشگاه‌های کشور را با هم در یک مسیر مشخص سازماندهی کنند، و به عنوان مخالفت با کلیت حاکمیت و ایجاد یک فضای کنترل شده برای به دست گرفتن تمام خیزش‌های احتمالی در بین دانشجویان و شناسایی نیروهای ملی - میهنی فعالیت خود را شروع کردند.

در گیر و دار شروع کار ناگهان آقای طبرزدی دست به انتشار روزنامه **پیام دانشجوی** می زند، برای نشان دادن شخصیتی مخالف رژیم شروع به افشای یکسری حقایق درون رژیم می کند که با این ترفند توانست یک چهره دمکرات و میهن پرست برای در دست گرفتن رهبریت خیزش احتمالی در بین دانشجویان به دست آورد و حرکت ایشان با نظم و هماهنگی خاصی به پیش رفت و توانست با یکی از مزدوران رژیم در پاریس هماهنگ شود برای انجام تبلیغات در اروپا و تهیه یکسری سایت‌های مخالف رژیم با نام‌های مختلف ولی به نفع طبرزدی و معرفی ایشان به عنوان رهبریت جنبش دانشجویی در اروپا کار خود را سازماندهی نمود، و این شخص کسی نبود جز آقای **حسن عباسی** که در خیابان شانزه لیزه پاریس مغازه کتاب فروشی دارد و ملک مغازه متعلق به سفارت جمهوری اسلامی می باشد که ایشان در آن مستقر هستند.

در این میان آقایان **محمدی و مهاجرانی نژاد** مرتباً بدون هیچ ترس و واهمه ای در آن خفقان شدید شروع به سخنرانی و میتینگ‌های متعدد در مخالفت با حاکمیت در دانشگاه‌های مختلف نمودند که همگی با سازماندهی کاملاً خوب انجام می شد. در گیر و دار این برنامه ها ماموریت به آقای منوچهر محمدی می خورد که به آمریکا برود و در آنجا چندین سخنرانی هماهنگ شده با بودجه و عوامل رفسنجانی در آمریکا اجرا کند و اپوزسیون نا مشروع مادی و ضد مردمی را سازماندهی کند برای حمایت از این حرکت احتمالی، و به راحتی به ایران باز می گردد و به اجرای فرامین اربابان می پردازد، و در گمراه کردن دانشجویان ملی - میهنی پر تلاش به پیش می رود. در طول اقامت خود در آمریکا چندین ملاقات با شخص آقای **رضا پهلوی** انجام می دهد و دستورات ارباب رفسنجانی را به اطلاع این رهبر در خفا که تا به امروز در خیانت به ملت ایران یکه تاز بوده است می رساند و ایشان یکی از عوامل مهم تبلیغات انحرافی در خارج از کشور را سازماندهی می کرد و جالبتر اینکه پروژه گنگ و بی اعتبار رفراندوم که توسط مثلث **رفسنجانی، طبرزدی، رضا پهلوی** سازماندهی می شد توسط **منوچهر محمدی** به شخص رضا پهلوی رسانده می شود و به خاطر این پروژه مبلغ بسیار بالائی به حساب شخصی آقای رضا پهلوی در سوئیس واریز می شود که زمینه این حرکت را در خارج از کشور سازماندهی کند.

این حرکت شوم با سازماندهی بالایی به پیش می رود تا که به شب حادثه می رسد و در آن شب آقایان: **فخر آور، احمد باطبی، پیمان پیران، محسن صادقی نور، سنجری**، و چندین نفر دیگر که زیاد نقشی را نتوانستند بازی کنند به این بازی، غیر مستقیم با دادن وعده کمک مالی فرا خوانده شدند که بتوانند این حرکت را بعد از اجرا با اپوزسیون خارج هماهنگ کنند، و این سازماندهی از ترس اینکه نیروهای ملی - میهنی قرار بود فردای ۱۸ تیر به خاطر نقض حقوق بشر و درخواست آزادی‌های مشروع دست به تظاهرات در خیابان انقلاب را بدون مجوز از وزارت کشور بزنند، توسط عوامل نفوذی لو رفته بود و جناب رفسنجانی صلاح را بر این دانستند که پروژه شب ۱۸ تیر عقیم شود و از حالت خود جوش خارج شود و هر چه سریعتر نیروهای کلیدی از صحنه حذف شوند و نیروهای نفوذی حرکت را رهبری کنند.

و دلیل دیگر آنکه چرا آقای رفسنجانی شب ۱۸ تیر را انتخاب کردند، در قسمت بعد به آن اشاره خواهیم کرد.

شب قبل از حمله به کوی دانشگاه و سناریوی ۱۸ تیر ساختگی رژیم، دستور و برنامه جدید به آقای **مهاجرانی نژاد** ابلاغ می شود که ایشان بعد از خنثی شدن این

حرکت سه بازیگر این سناریو به زندان برده می شوند و آقای محمدی با یک شوی تلویزیونی به عنوان مهره نفوذی و ساختن یک چهره به ظاهر ملی - میهنی به مردم معرفی شود که حرکت را تمام شده اعلام کنند و آقایان **طبرزدی و مهاجرانی نژاد** به اصطلاح به زندان می روند و حدود **۱۵ روز** بعد آقای مهاجرانی نژاد با یک دادگاهی کاملا ساختگی با گذاشتن وثیقه خارج می شود و با هماهنگی به ترکیه انتقال داده می شود و **۲ روز** بعد مورد استقبال عوامل آقای رضا پهلوی در آمریکا قرار می گیرد که بتواند هر چه سریعتر با عوامل نفوذی دیگر در درون هماهنگ شوند و تمام سیستم تبلیغاتی صوتی تصویری رابه فرمان رضا پهلوی تحت پوشش قرار دهند و به همین سادگی توانستند تمامی نیروهای خود جوش را همگی از صحنه حذف کنند . و در آمریکا شروع به تبلیغات آزادی زندانیان سیاسی نمود که بتواند تمام گروههای سیاسی را در یک مسیر غلط قرار دهد و آقایان **طبرزدی، محمدی، باطبی، فخر آور** و دیگر مزدوران رژیم را تبدیل به اسطوره مقاومت کند و رژیم به راحتی بتواند افکار را به سوی این خائنین هدایت کند و نیروهای ملی را همگی حذف فیزیکی نمود بدون اینکه صدایی از این قتل و عام به گوش جهانیان برسد .

با توجه به اسناد معتبری که در اختیار ما توسط این شاهد زنده قرار گرفته مبلغ بسیار بالایی به حساب آقای منوچهر محمدی در سوئیس واریز شده است که تمام مراحل این کار توسط خواهر منوچهر محمدی، **نسرین محمدی** که بعد از انجام پروژه **۱۸ تیر** به آلمان انتقال داده شده بود انجام گرفت که بتواند مراحل باز کردن حساب بانکی و انتقال پول را انجام دهد و همچنین ایشان نقش رابط و پیام بر سیستم استعماری با داخل را به خوبی تا به امروز به انجام رسانده است.

از این مبلغ واریزی به حساب آقای محمدی، **۴۰ درصد** آن قرار بود به حساب مهاجرانی نژاد واریز شود ولی در این میان ظاهرا مشکلی پیش می آید و این پول به مهاجرانی تعلق نمی گیرد و ایشان در آمریکا تهدید به مرگ می شود که در مورد این جریان هیچ گونه صحبتی و افشاگری نکنند و تا به امروز در سکوت فرو رفته اند و مجبور به اجرای فرامین این تبهکاران می شود .

آقای طبرزدی که نقش رهبریت این حرکت شوم را بازی کردند با مبلغ نجومی بسیار بالایی که ایشان هم در سوئیس حساب بانکی دارند مورد تقدیر آقای رفسنجانی قرار گرفتند و سایتهای شخصی ایشان مرتبا در پاریس توسط مزدور بدنام **حسن عباسی** بروز می شد و اعلامیه ها و سخنان ایشان توسط آقای **مسعود ده نمکی** رابط حسن عباسی در اروپا به رسانهای تحت پوشش سیستم **استعماری فراماسونیسیم** صوتی تصویری رسانده می شد و هر چه بیشتر سعی بر بزرگنمایی و چهره سازی این خائن بد سابقه که بر همگان روشن است می کنند و مردم ساده لوح ما در اوایل کار واقعا خیال می کردند که این مزدوران در زندان هستند و تحت شکنجه و ظلم حکومت قرار دارند ولی بدانید که تمامی این افراد که در این سناریو نقش آفرینی کردند با پر کردن حسابهای بانکی در خارج از کشور به این بازی مدتهاست که پایان داده اند و فقط توانستند که با حذف نیروهای ملی به عمر ننگین حکومت اسلامی بی افزایشند و **۱۸ تیر** را برای همیشه خنثی کردند چرا که عزیزان میهن پرست خیلی سریع شناسایی و حذف گردیدند و خود به حاشیه رفتند و جالب این است که بلند گوههای مزدور سیستم فراماسونی هنوز هم مسولیت تبلیغ این مزدوران را در خارج از کشور برعهده دارند و در تلاش هستند که این خائنین را که در لباس زندانی نقش بازی می کنند در لحظه بحرانی که رژیم در بن بست قرار گیرد با آزادی به ظاهر زندانیان سیاسی خود را از باتلاق تبلیغاتی خارج کنند و به عمر ننگین خود بی افزایشند ، در صورتی که زندانیان سیاسی واقعی یا از صحنه کاملا حذف شدند و یا در شرایطی هستند که هیچ نام و نشانی از آنها نیست چرا که آنها در این بازی سهمی ملی - میهنی داشتند و باید حذف می شدند و افرادی مانند **طبرزدی، محمدی ها، باطبی ، فخر آور** و مزدوران

دیگر برای ما نقش اسطوره مقاومت را بازی می کنند و از درون زندان این حکومت وحشی به راحتی اعلامیه می دهند به مرخص می آیند و از تمام تحولات روز با اطلاع هستند ، این مزدوران یا خود را دیوانه فرض کرده اند و یا ملت را نا آگاه فرض کرده اند ، این ابلهان باید بدانند که افکار مردم ایران با این گروههای دست نشانده به ظاهر مخالف حکومت اسلامی کاملا متفاوت است و مردم کاملا پی برده اند که این بوق و کرنایی که در رسانهها به خاطر شما زده می شود همگی دست نشانده و عامل خود حکومت اسلامی هستند که در تلاش برای استحکام پایه های فرسوده این حاکمیت جان فشانی می کنند.

در این گفتار به آنجا می رسیم که منوچهر محمدی بعد از دریافت مبلغ هنگفتی که به خاطر خوش خدمتی دریافت کرده بود خیلی سریع منزلی در تهران به مبلغ ۸۰ میلیون تومان خریداری می کند که منزل به نام خود ایشان می باشد و بقیه مبلغ را به غیر از اینکه در حساب سوئیس واریز می کند مقدار دیگر آن را به حسابهای خانواده اش انتقال می دهد و با بازی دادن برادر خود اکبر محمدی در این سناریو سعی بر بزرگنمایی و واقعی تر نشان دادن این حرکت می کند و سعی می کند که افکار رسانهها را بیشتر به مظلومیت خانواده خود معکوس کند و این خانواده روستایی از آن زندگی ساده به نان و نوایی رسیدند و به زودی شاهد آزادی به ظاهر این زندانیان سیاسی خواهیم بود که بتوانند راحت تر و آزادانه تر به صرف دست مزد خویش پیردازند.

و در این جریان برادر کوچک آقای مهاجرانی نژاد که ۲ سال پیش در یونان بودند به نام **علی مهاجرانی نژاد** و در حال حاضر هم در انگلستان به سر می برند اطلاعات دیگری هم در رابطه با منوچهر محمدی که ایشان چندین بار در آمل با هم ملاقات داشته اند در اختیار ما گذاشتند و بر این افشا گریها مهر تایید دیگری می زند و در آن شرایطی که با هم ملاقات داشته اند همگی فکر می کردند که منوچهر محمدی در زندان است و زیر شکنجه قرار دارد ، ولی افسوس که این نقاب از چهره این مزدوران دیر برداشته شد و اپوزوسیون ساده انگار که هیچ وقت حاضر نیست به خاطر ایران عزیزمان نقش آفرینی کند به راحتی بازیچه دست شبکه مخوف فراماسونی می شود و با چشمانی بسته سنگ به ظاهر زندانیان سیاسی را به سینه می زند و در مسیر خیانت به ملت یکه تازی می کند.

ملت آزاده ایران آگاه باشید و گول این ترفندهای سیستم استعماری را نخورید چرا که زندانی سیاسی در بند این رژیم محال ممکن است که بتواند از درون زندان اعلامیه دهد و یا نوشته ای در مخالفت از درون زندان به خارج بفرستد و تمام این سیستم مخوف استعماری که اداره کننده واقعی این حکومت هستند هم زمان و با هم رله کنند و بانگ حمایت از زندانی سیاسی را سر دهند ، بهوش باشید که **امثال زرافشان ، گنجی ، عبدی ، مهر انگیز کار و ملا مذهبیهای** عقب افتاده و دیگر عوامل رژیم همگی در این بازی زندانیان سیاسی، در حال نقش آفرینی هستند و افکار مردم را به سمت این مزدوران جیره خوار سوق می دهند که بتوانند مانند دیگر بازیگران ۱۸ تیر، در لحظه بحرانی رژیم را از بن بست خارج کنند و ظاهر خود را با آزادی عوامل خود آزرین بندی کنند و بحران نقض حقوق بشر را با آزادی این مزد بگیران عقیم کنند و در این میان خانم **شیرین عبادی** نقش قاصدک پیام بر را برای رساندن فرامین اربابان فراماسونیسیم به داخل را ایفا می کند و آگاه باشید که نه اکبر گنجی و نه دیگر عوامل حکومتی هیچکدام مخالفتی واقعی با کلیت رژیم ندارند و همگی اینها نان خور این رژیم هستند و در لباس زندانی سیاسی ادعای آزادی و استقلال می کنند و خود را در ظاهر مخالف این حکومت نشان می دهند ولی این عوامل ستون پنجم حکومت بدانند که نه تنها حمایت مردمی را کسب نخواهند کرد بلکه هر روز بیشتر در این چاهی که برای

نیروه‌های ملی - میهنی کنده اند خود فرو خواهند رفت و تنفر مردمی از این مزدوران هر روز بیشتر خواهد شد و سرانجام در گرداب سرنگونی رژیم فنا خواهند شد .



وجالب این است که حکومت زمانی که متوجه شد مردم به ماهیت ۱۸ تیر پی برده اند و حاضر به پیروی از این حرکت نیستند سعی بر اجرای بازی دیگر کرد که چهره پروژه قبلی را پنهان کند و آن کشاندن گنجی زرافشان مهر انگیز کار و ملا مذهبیها به زندان و با چهره سازی و قهرمان سازیهای این عوامل خودی سعی کند که نیروهای ملی را اینبار به دنبال این اشخاص بکشاند و شروعی دیگر باشد برای حذف فیزیکی نیروهای سازمان یافته درون مرز که بتوانند به عمر ننگین خود بی افزایند، که خوشبختانه مردم ما به اندازه ای مار گزیده شده اند که هیچ وقت در مسیر این مزدوران حکومتی بد سابقه قرار نخواهند گرفت .

در پایان این گفتار سازمان دانشجویان مبارز به این مزدوران حکومتی که در لباس زندانی سیاسی نقش آفرینی می کنند هشدار می دهد که نه تنها در این حکومت آینده ای برای خود و خانواده خود خواهید داشت بلکه بعد از سرنگونی این حکومت باید در پیشگاه خانواده‌های داغدار که به خاطر عوام فریبی شما فرزندان‌شان به چنگال این حکومت گرفتار گشتند در دادگاه مردمی پاسخگو باشید و به خاطر اعمال ننگینتان به مجازات خود خواهید رسید.

هم میهنان عزیز در قسمت بعدی شماره حسابهای خارجی این مزدوران به ظاهر زندانی سیاسی و دیگر موارد خواهیم پرداخت ، با آرزوی سرافرازی و سربلندی برای همه میهن پرستان و عاشقان ایران و براندازی این حکومت ضد مردمی .

14/07/2005

سازمان دانشجویان مبارز ایران زمین